

**جمعه 31 مرداد 1399-1 محرم 1442-21 آگوست 2020**

وقوع جنگ چالدران بین ایران و عثمانی (893 ش)...



وقوع جنگ چالدران بین ایران و عثمانی (893 ش)، در اوایل سلطنت شاه اسماعیل اول و تشکیل سلسله صفوی، او توانست کردستان و شهرهای مقدس عراق را فتح کند و با تکیه بر تشیع اثنی عشری، به زودی جمع کثیری از مردم شیعه ساکن در سرزمین‌های عثمانی را به سوی خود جلب کند. این اقدام جسورانه شاه اسماعیل، اگرچه خطرات فراوانی را در پی داشت اما سبب تحکیم وحدت سیاسی - مذهبی ایران گردید و همین ویژگی از نظر سلاطین عثمانی به مراتب خطرناک‌تر از احیای ساختار نظامی ایران بود. هنگامی که سلطان سلیم اول، پادشاه نیرومند و مشهور عثمانی به سلطنت رسید، چهل هزار تن از شیعیان را به قتل رساند. او که خود را خلیفه مسلمانان می‌خواند، تصمیم به توسعه متصرفات خود گرفت و به قصد تصرف تبریز، پایتخت دولت نوپدید صفوی حرکت کرد و جنگ سختی میان او و سپاه شاه اسماعیل صفوی در منطقه چالدران در حوالی ماکو روی داد. در این جنگ بر اثر کثرت سپاه عثمانی و مجهز بودن به تفنگ و توپخانه، لشکر ایران عقب نشینی نمود و تعداد زیادی از دو طرف کشته شدند. شاه اسماعیل تا حدود همدان عقب نشست و سلطان سلیم تبریز را اشغال کرد ولی به زودی بر اثر مقاومت ملی مجبور شد تبریز و آذربایجان را تخلیه کند. پس از بازگشت سلطان سلیم، شاه اسماعیل دیگر باره به آذربایجان و تبریز رفت و به تعمیر خرابی‌های لشکریان عثمانی پرداخت.

گویند پس از این واقعه، دیگر کسی شاه اسماعیل را خندان ندید. نام "امام خمینی (ه)" در پی جنایت عظاما، نامه در فاجعه آتش‌سوزی: سوزی سینما رکس، آبادان (1357 ش)، پس از وقوع جنایت هولناک آتش‌سوزی سینما رکس آبادان، حضرت امام خمینی (ره) در پیامی از نجف اشرف خطاب به اهالی آبادان، ضمن اعلام خطر به اینکه ممکن است رژیم پهلوی، اعمال وحشیانه مشابهی در شهرهای ایران انجام دهد، از گویندگان خواستند وظیفه آگاهی بخشی به مردم را دنبال کنند. در بخشی از پیام مهم امام به مناسبت این فاجعه آمده بود: من گمان نمی‌کنم هیچ مسلمانان، بلکه انسانان، دست به چنین فاجعه وحشیانه‌ای بزنند، جز آن که به نظایر آن عادت نموده است. گفتار شاه که تظاهرکنندگان مخالف من "وحشت بزرگ" را وعده می‌دهند و تکرار آن پس از واقعه که این همان وعده بوده است، شاهد دیگری بر توطئه است. این مصیبت دلخراش برای شاه، شاهکار بزرگی است تا به تبلیغات وسیع در داخل و خارج دست زند و به بوق‌ها و مطبوعات دست نشانده داخل و نفع طلب خارج دستور دهد که هرچه بیشتر برای اغفال مردم، این جنایت را منتشر و به ملت محروم و مظلوم ایران نسبت دهند تا در خارج، ملت حق طلب ایران را، مردمی که به هیچ ضابطه انسانی و اسلامی معتقد نیستند معرفی نماید.

رحلت حجت الاسلام "میرزا حسن غفاری تبریزی" (1379 ش)، حجت الاسلام و المسلمین حاج میرزا حسن غفاری تبریزی در سال 1305 ش (1345 ق) در تبریز به دنیا آمد و پس از تحصیلات جدید به فراگیری علوم دینی روی آورد. وی پس از پشت سر نهادن مقدمات و سطوح، در بیست سالگی راهی حوزه علمیه قم شد و در درس خارج حضرات آیات سید حسین بروجردي، سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی و سید محمد محقق داماد حضور یافت. ایشان پس از رحلت آیت‌الله بروجردي، به آیت‌الله مرعشی پیوست و ضمن شرکت مداوم در هیئت استفتائی آن مرجع بزرگ، خود به تدریس سطوح عالی حوزه مشغول گردید. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تهران رفت و به تدریس، اقامه جماعت و ارشاد مردم پرداخت. از ایشان تالیفاتی بر جای مانده که حدیث از نظر شیعه، کاوش‌های علمی و تقریرات درس فقه آیت‌الله بروجردي از آن جمله‌اند. این عالم خدمتگزار سرانجام در آخر مرداد 1379 ش برابر با بیستم جمادی‌الاول 1421 ق بدرود حیات گفت و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

آغاز سال هجری قمری، گاه شماری هجری قمری، گاه شماری براساس چرخش ماه است که توسط مسلمانان و نیز در بسیاری از کشورهای اسلامی به عنوان سالنمای مذهبی یا در مواردی سالنمای مدنی استفاده می‌شود. از این سالنمای در بسیاری از آیین‌های اسلامی، از قبیل روزه، حج، تعیین ماه‌های حرام، و عزاداری استفاده می‌شود. در زمان خلافت عمر بن خطاب خلیفه دوم مسلمین به توصیه علی بن ابی طالب هجرت پیامبر اسلام از مکه به مدینه مبدأ این تقویم قرار گرفت و مدون شد. قبل از جهانی شدن گاهشماری میلادی در بسیاری از کشورهای اسلامی و رسمی شدن گاهشماری هجری خورشیدی در ایران و افغانستان، سالنمای هجری قمری سالنمای اصلی سرزمین‌های اسلامی بود و وقایع تاریخی در اکثر قریب به اتفاق موارد با این گاهشماری ثبت می‌شد. مبدأ گاهشماری هجری قمری مانند گاهشماری هجری خورشیدی، سال هجرت پیامبر اسلام، محمد، سال ۶۲۲ میلادی از مکه به مدینه می‌باشد. آغاز هجرت پیامبر اسلام از مکه روز دوشنبه (۱ ربیع‌الاول/ ۲۴ شهریور سال ۱ هجری) برابر با ۱۲ سپتامبر ۶۲۲ میلادی قدیم (ژولینی) و ۱۶ سپتامبر ۶۲۲ میلادی جدید (گرگوری) و ورود پیامبر به مدینه روز ۸ ربیع‌الاول همان سال می‌باشد. سرآغاز گاهشماری هجری قمری روز جمعه «۱ محرم سال ۱ هجری قمری» (۲۷ تیر سال ۱ هجری شمسی) برابر با ۱۶ ژوئیه ۶۲۲ میلادی

آغاز هفته احیای امر به معروف و نهی از منکر به معنای فرمان دادن و «نهی» به معنای بازداشتن و منع از انجام کاری است. «معروف»، هر آن چیزی است که عقل و دین، آن را به نیکی و خوبی می شناسند و معرفی می کنند و «منکر»، هر آن چیزی است که عقل و شرع، آن را ناپسند می دارند. پس امر به معروف، یعنی فرمان دادن به انجام کارهای نیک و نهی از منکر، به معنای بازداشتن از بدی و ناپسندی است. یکتاپرستی، نیکی به پدر و مادر، انفاق به خویشاوندان، کمک به مساکین و درماندگان، برپایی نماز، پایبندی به عهد، مبارزه با ظلم و ستم، امر به معروف و نهی از منکر، پرداخت وجوهات شرعی و... نمونه هایی از معروف ها، و شرک به خداوند، زنا و فحشا، ربا، سرقت، دست درازی به اموال یتیمان، تکبر، اسراف و بدخویی، نمونه هایی از منکرهای ذکر شده در قرآن کریم می باشند. دستور قرآن کریم بر ضرورت و وجوب امر به معروف و نهی از منکر کاملاً آشکار است. در آیه ای می خوانیم: «و باید از میان شما گروهی باشند دعوتگر به خیر که به نیکی (معروف) فرمان دهند و از ناشایستی (منکر) باز دارند و اینان رستگارانند». دراهمیت امر به معروف و نهی از منکر همین بس که در قرآن کریم، نام آمرین به معروف، در کنار نام پیامبران آمده است و کیفر قاتلان آنان، مثل کیفر قتل انبیاست. برای امر به معروف و نهی از منکر، سه مرحله را متذکر شده اند: نخست این که انسان، از بروز گناه، اندوهگین باشد و قلباً راضی از کار منکر نبوده و از آن متنفر باشد. در این مرحله هیچ کس معاف نیست و حتی افراد ناتوان نیز باید از گناه متنفر باشند؛ زیرا اگر کسی راضی به عمل قومی باشد، در عمل آنان شریک است. در مرحله دوم، امر به معروف، با زبان به خلافکار هشدار می دهد و به خوبی ها سفارش می کند، و مرحله سوم آن است که اگر بیان، اثر نکند، با قدرت در برابر منکرات بایستند. این اعمال قدرت و خشونت باید بسیار سنجیده و حساب شده باشد تا موجب بروز هرج و مرج در جامعه و ایجاد منکرهای بزرگ تر نگردد. آثار فردی و اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر، آن قدر فراوان است که در قرآن و روایات، حساب این دو فریضه پربرکت از دیگر فریضه ها جدا شده است. بهره مندی از الطاف خداوند، نجات از قهر و غضب الهی، وفور نعمت های اقتصادی، کسب حلال، عزت و سرافرازی مؤمنین، سرکوبی و کنترل اشرار و برقراری نظم و انضباط اجتماعی، نمونه هایی از آثار و برکت های آن است. در بُعد فردی، کسی که امر به معروف باشد، خود، اهل معروف خواهد شد و خواه ناخواه، به رستگاری خواهد رسید و در بُعد اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر، ضامن بقای کلیه برکت های معنوی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه مسلمین است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره آداب امر به معروف و نهی از منکر فرمود: امر به معروف، نیازمند آن است که به حلال و حرام آگاه و از آن چه دیگران را امر و نهی می کند، خود، فارغ شده باشد. برای خلق، ناصح مهربان و با آنان رفیق باشد. با لطف و بیان خود، آنان را دعوت کند، اخلاق آنان را بشناسد تا با هر یک مناسب شأنش رفتار کند، به مکر نفس و نیرنگ های شیطان بینا و بر آن چه بدو رسد، شکیباً باشد و آنان را به سبب آن چه بدو رسیده، مکافات و از آنان شکایت نکند، خشونت نورزد و برای نفس خود خشمگین نشود. نیت خود را برای خدا خالص گرداند و از او یاری بخواهد و در پی رضایت او باشد. پس اگر با او مخالفت و در حقش جفا کنند، صبر پیشه کند و اگر با او موافقت کنند و سخنش را بپذیرند، سپاس گزاری کند و کار خود را به خدایش واگذرد و به عیب خویش بنگرد».

مخاصم بنه هاشم در شعب ابی طالب پس از آنکه قریش موفق به برگرداندن مهاجران حبشه نشد، شروع به مبارزه به صورت محاصره اقتصادی و اجتماعی با بنی هاشم کرد. از جمله این مبارزات امضای پیمان نامه ای علیه بنی هاشم بود که به دنبال آن بنی هاشم برای حفظ جان خویش به شعب ابوطالب پناه بردند. علت امضای این پیمان نامه توسط قریش، مورخان علت امضای این پیمان نامه را این گونه نوشته اند:

قریش در صد کشتن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برآمدند. این اقدام زمانی میسر بود که بنی هاشم و در رأس آنها، ابوطالب راضی باشد. بدین سبب از او خواستند تا دیه قتل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را دو برابر پرداخت کرده و فردی غیر قریشی او را به قتل برساند. [۱] ابوطالب به شدت با خواسته آنان مخالفت کرده و از بنی عبدالمطلب و بنی مطلب خواست تا داخل شعب ابوطالب خود شده و از جان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دفاع کنند. آنان به جز ابولهب و ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب به شعب رفتند. قریش نیز در واکنش به این حرکت پیوندهای اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و... را با آنان قطع کرد و در این باره پیمانی نوشتند و عهد بستند که هیچ گونه صلحی را از بنی هاشم نپذیرند و هیچ گونه رأفت و مراودتی با آنان نکنند، مگر زمانی که حاضر شوند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را به مشرکان تسلیم کنند تا او را بکشند. [۲]

زمانی که قریش دریافتند که اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در شهری با امنیت کامل استقرار یافتند و نجاشی نیز از پناهندگان حمایت می کند، مجلسی تشکیل داده و تصمیم گرفتند تا پیمانی بر ضد بنی هاشم و بنی عبدالمطلب منعقد کنند. بر این اساس که از آنان نه دختر بگیرند و نه به آنان دختر بدهند، هیچ معامله اقتصادی انجام ندهند. بنی هاشم به دور ابوطالب جمع شدند و همه به شعب او رفتند. [۳]

از دیگر دلایل امضای این پیمان نامه می توان به اسلام آوردن شخصیت های مهم قریش و به خصوص بنی هاشم مانند حمزه بن عبدالمطلب اشاره کرد. [۴] قریشیان از بیم اینکه مبدا دیگر بزرگان قریش نیز به سرگذشت اینان مبتلا شوند، دست به امضا چنین پیمان نامه ای زدند. پیمان نامه قریش

سختی، های شعب ابی طالب در گزارشات تاریخی آمده است که کسانی که درون شعب بوده اند، قادر به برطرف کردن مایحتاج خود نبوده و حتی قریش راه ورود طعام و آب را بر روی آنان بسته بودند.[۶] اینان به قدری دچار سختی بوده اند که صدای ناله آنان از برون شعب شنیده می شد.[۷] تنها در یک زمان بنی هاشم امکان خریدن داشتند، آن هم در ماه های حج، (ذی الحجه و رجب)، که در این مواقع ابوجهل بسیار مراقب بود تا کسی چیزی به بنی هاشم نفروشد. بیهقی می نویسد که هر نوع طعامی که از ناحیه مسافران در بازارهای مکه عرضه می شد، قریشیان به سرعت، آن را می خریدند تا مبادا به دست بنی هاشم برسد.[۸]

فشار گرسنگی به حدی رسیده بود که «سعد وقاص» می گوید: شبی از میان درّه بیرون آمدم، در حالی که نزدیک بود تمام قوا را از دست بدهم. ناگهان پوست خشکیده شتری را دیدم، آن را برداشتم و شستم و سوزاندم و کوبیدم، بعد با آب مختصری خمیر کرده و از این طریق سه روز به سر بردم.

جاسوسان «قریش» در تمام راه مراقب بودند که مبادا کسی خوارباری به «شعب ابی طالب» ببرد، ولی با این کنترل کامل، گاه بیگانه‌ای، «حکیم بن حزام» برادرزاده «خدیجه» و «ابو العاص بن ربیع» و «هشام بن عمر» نیمه شب ها مقداری گندم و خرما بر شتری حمل کرده و تا نزدیکی «شعب» می آوردند. سپس افسار آن را دور گردنش می پیچیدند و رها می کردند و گاهی همین مساعدت موجب گرفتاری آنان می شد.[۹]

ها، از شعب ابی طالب معجزه خورده شدن پیمان نامه قریش توسط موربانه ها؛ رسول اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) با همه بنی هاشم و بنی مطلب سه سال در شعب ماندند تا آنکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و نیز ابو طالب و خدیجه تمام دارایی خود را از دست دادند و به سختی و ناداری گرفتار آمدند. سپس جبرئیل بر رسول خدا فرود آمد و گفت: خدا موربانه را بر صحیفه قریش فرستاده تا هر چه بی مهری و ستمگری در آن بود به جز جاهای نام خدا، همه را خورده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ابو طالب را از این امر آگاه ساخت، پس ابو طالب همراه رسول خدا و خاندانش بیرون آمد تا به کعبه رسید و در کنار آن نشست و قریش هم از هر طرفی روی آور شدند و گفتند: ای ابو طالب هنگام آن رسیده است که عهد (خویشاوندی) را یادآوری و نزدیکی با قومت را آرزو کنی و سرسختی درباره برادرزاده ات را رها کنی. ابو طالب به آنان گفت: ای قوم من، هم اکنون صحیفه خود را بیاورید، شاید گشایشی و راهی به صله رحم و رها کردن بی مهری پیدا کنیم. صحیفه را آوردند و مهرها همچنان بر آن بود، پس ابو طالب گفت: این همان صحیفه ای است که درباره پیمان خود نوشته اید و آن را می شناسید؟ گفتند: آری. گفت: آیا هیچ کاری با آن کرده اید؟ گفتند: نه بخدا قسم. گفت: پس محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) از طرف پروردگارش به من گوید که خدایش موربانه را فرستاده است تا هر چه را جز نام خدا در آن بود همه را خورده است، راستی بگوئید که اگر سخنش راست باشد، چه می کنید؟ گفتند: دست برمیداریم و کاری نداریم. گفت: من هم اگر سخنش دروغ در آید، او را به شما دهم تا بکشید. گفتند: انصاف دادی و نیکو گفتی. مهر صحیفه شکسته شد و ناگهان دیدند که موربانه هر چه جز نام خدا در آن بوده، همه را خورده است. [۱۰] اما چون آن را دیدند گفتند این هم یکی دیگر از جادوگری های محمد (ص) است و سر بر تافتند و همچنان در کفر، و آزار پیامبر و مسلمانان و قبیله او پافشاری نمودند و مواد عهدنامه را با شدت بیشتری اعمال کردند.[۱۱]

پشیمانی بعضی از سران قریش از امضای پیمان نامه: اما جماعتی از قریش از در انصاف در آمده و خود را بر آنچه در این سه سال کرده اند نکوهش کردند. از میان افرادی همچون: «هشام بن عمرو»، «زهیر بن امیه»، «مطعم بن عدی» و «ابوالبختری بن هشام» به همراه «زمعه بن اسود» با هم، هم صدا شدند تا زمانی که عهدنامه را نشکنند، از پای نخواهند نشست و آن را به قریش اعلام نمودند. و پس از آن قریشیان تصمیم به پایان دادن محاصره بنی هاشم گرفتند. به طور کل می توان گفت که هر دو اتفاق بالا افتاده و توسط آنها بنی هاشم از شعب ابی طالب رهایی پیدا کرده اند.[۱۲]

پی نوشت ها:

1. الدرر فی اختصار المغازی و السیر، ص 27
2. ترجمه دلائل النبوه، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج 2 ص 65-66
3. زندگانی پیامبر(ترجمه السیره النبویه)، ابن هشام، ج 1 ص 220؛ تاریخ طبری، ج 2 ص 335-336؛ سبل الهدی و الرشاد، ج 2 ص 502
4. زندگانی پیامبر(ترجمه السیره النبویه)، ابن هشام، ج 1 ص 220
5. ترجمه تاریخ یعقوبی، ج 1، ص: 389
6. انساب الاشراف، ج 1 ص 234
7. انساب الاشراف، ج 1 ص 234؛ طبقات الکبری، ج 1 ص 209

فمان پیامبر (ص)، برای دریافت زکات پس از آن که آیه زکات و لزوم اخذ آن از مسلمانان بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل گردید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا...» [۱]

پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که از دارایی های مسلمانان، مالیاتی به عنوان "زکات" و "صدقه" دریافت کرده و در امر حکومت اسلامی و هزینه کردن در مواردی چون تامین معیشت مستمندان، آزادی بردگان، تامین رهگذران وامانده، کمک به بدهکاران ورشکسته و تالیف قلوب دشمنان و امثال آن ها مصرف نمایند.

بدین منظور در نخستین روز ماه محرم سال نهم هجری، عاملان و کارگزارانی برای این امر برگزید و آنان را با توصیه های خاصی به سوی مناطق مختلف حکومت اسلامی گسیل داشت.

برخی از مسلمانان به محض دریافت پیام رسول خدا صلی الله علیه و آله زکات دارایی های خویش را به ماموران حکومتی پرداختند ولی برخی دیگر به خاطر حرص و طمع ورزی به مال دنیا و یا عدم درک کامل اسلام و نداشتن ایمان باطنی از پرداخت زکات امتناع کرده و حتی برخی از طوایف مانند طایفه بنی تمیم آماده درگیری و نبرد با ماموران حکومت اسلامی شدند. [۲]

به هر روی، رسول خدا صلی الله علیه و آله با تلاش فراوان و پیگیری های مستمر، موفق گردید فرهنگ زکات و صدقه را در اسلام و در میان مسلمانان رایج گردانیده و همگان را از نعمت آن برخوردار گرداند.

پی نوشت ها:

1. سوره توبه، آیه 60.
2. المغازی (واقعی)، ج 2، ص 973 و ص 1084؛ منتهی الآمال (شیخ عباس قمی)، ج 1، ص 89.

منبع: روز شمار تاریخ اسلام، سید تقی واردی، جلد اول، ماه محرم  
ولد "کاردینال ریشلیو" سیاست‌رلم&مدار برجسته ه صدر اعظم فرانسه (1585م)  
ارمان ژان دوپلس معروف به کاردینال ریشلیو، سیاست‌رلم&مدار برجسته و صدراعظم معروف فرانسه، در 21 آگوست 1585م در پاریس به دنیا آمد. وی در جوانی به تحصیل فنون سربازی پرداخت، ولی در 21 سالگی به جرگه روحانیان کاتولیک پیوست و به مقام اسقفی دست یافت. ریشلیو در سال 1614م به عضویت مجلس عوام فرانسه انتخاب شد و مورد توجه برخی مقامات دربار قرار گرفت. ریشلیو در سال 1622م به مقام معنوی کاردینالی در کلیسا رسید و دو سال پس از آن توسط لویی سیزدهم به مقام صدراعظمی فرانسه منصوب شد که تا هنگام مرگ این سمت را حفظ کرد. ریشلیو در دوران صدراعظمی خود، پروتستان‌رلم&ها را سرکوب نمود و از قدرت و نفوذ اشراف و بزرگان در دولت و ایالات کاست. اما در مقابل، بر قدرت حکومت مرکزی افزود و حکومت مطلقه سلطنتی به وجود آورد. ریشلیو، نایب‌رلم&السلطنه فرانسه را که با حمایت او قدرت یافت تبعید کرد و فرانسه را وارد جنگ‌رلم&های سی ساله اروپا نمود. او علاوه بر سیاست، در مسایل نظامی هم مهارت داشت و به ادبیات نیز علاقه‌رلم&مند بود به طوری که در اثر تشویق‌رلم&های ریشلیو، آکادمی یا کانون ادبی فرانسه شکل گرفت. در زمان صدر اعظمی ریشلیو، تمام کارها به دستور وی صورت می‌رلم&گرفت و لویی سیزدهم توان مقابله با نظرات او را نداشت. ریشلیو، اکثر کارهای خود را با جاسوسی و مودیانه و به‌رلم&صورت زیرکانه انجام می‌رلم&داد به طوری که حتی لویی سیزدهم هم از او واهمه داشت. ریشلیو در اکثر وقایع مهمی که در اروپا و به ویژه در فرانسه روی می‌رلم&داد نقش داشت و در شمار یکی از برجسته‌رلم&ترین شخصیت‌رلم&های عصر خود به شمار می‌رلم&رفت. کاردینال ریشلیو سرانجام پس از 18 سال صدراعظمی، در 4 دسامبر سال 1642م در 57 سالگی درگذشت.

قدیم (ژولیانی) و ۱۹ ژوئیه ۶۲۲ میلادی جدید (گرگوری) است.  
زمانی که قریشیان دیدند نمی توانند به خواسته های خود برسند با خود عهد بستند تا با احدی از بنی هاشم خرید و فروش نکنند و بانان زن ندهند و از آنان زن نگیرند، و با آنها داد و ستد نکنند مگر آنکه محمد را بانها تسلیم نمایند تا او را بکشند، و بر این مضمون صحیفه ای نوشتند و هشناد مهر بر آن صحیفه زدند. نویسنده آن [منصور بن ] عکرمة بن عامر بن هاشم بن عبد مناف بن عبد الدار بود که دست او پس از نوشتن این پیمان نامه فلج شد. [۵]

8. ترجمه دلائل النبوة، ج 2 ص 66
9. فروغ ابدیت، تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم(ص)، آیت الله جعفر سبحانی، ص: 343
10. ترجمه تاریخ یعقوبی، ج 1، ص: 389
11. ترجمه دلائل النبوة، ج 2، ص: 67
12. سیره النبوی، ج 1، ص 397-399؛ الطبقات الكبرى، ج 1، ص 210؛ بحارالانوار، ج 19، ص 40

منابع:

1. سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم (تاریخ سیاسی اسلام)، رسول جعفریان، انتشارات دلیل ما، 1382

2. زندگانی پیامبر (ترجمه السيرة النبويه)، ابن هشام، مترجم هاشم رسولی محلاتی، انتشارات کتابچی، 1375
3. ترجمه دلائل النبوة، ابوبکر بیهقی، مترجم دکتر محمود مهدوی دامغانی، انتشارات عملی و فرهنگی، 1361
4. ترجمه تاریخ یعقوبی، مترجم ابراهیم آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، 1371